

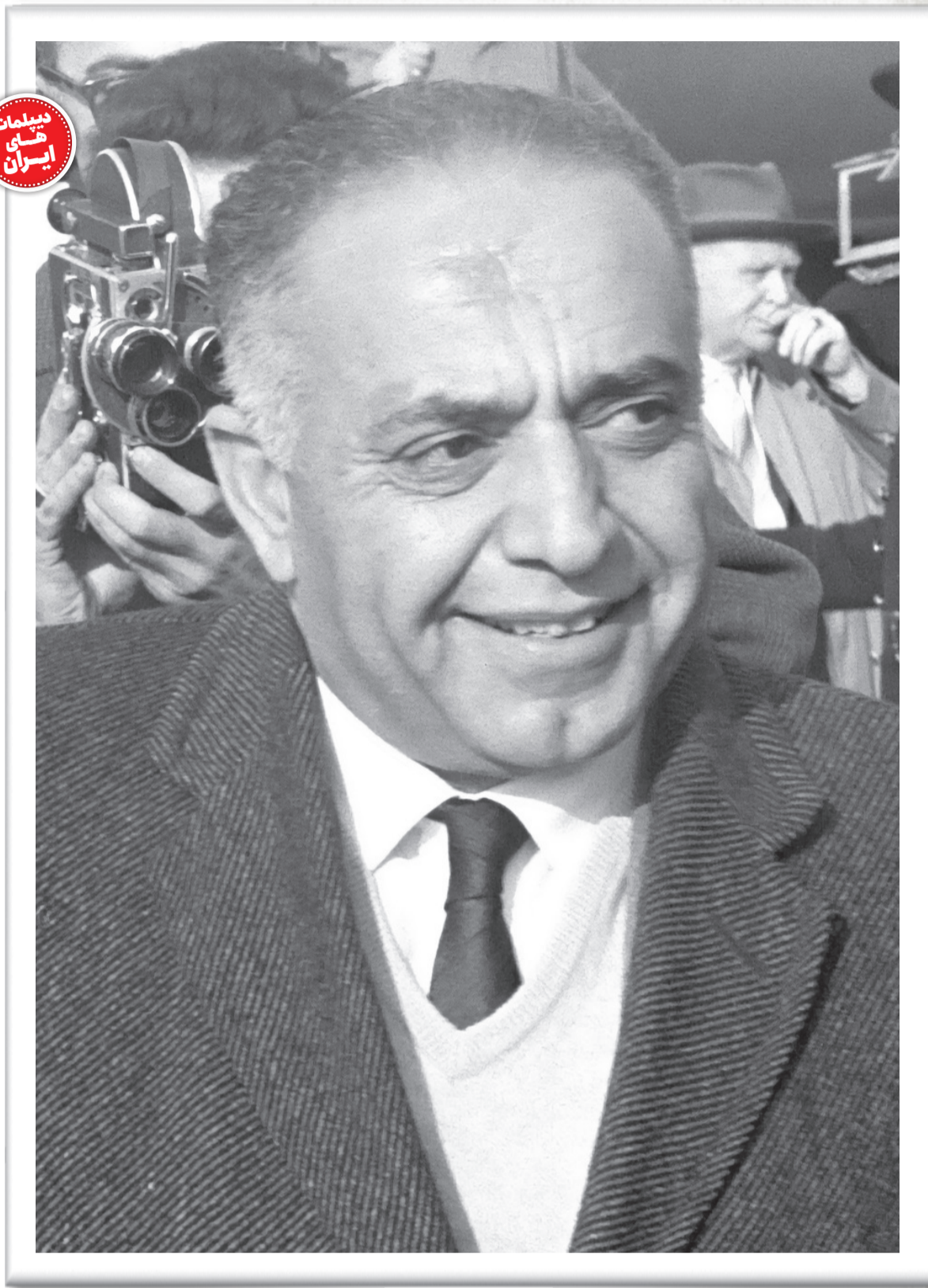


آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

Newsweek

آمریکا و اتحاد چین، روسیه، ایران و کره شمالی

این روایت نوظهور درباره «همسویی» بین پکن، مسکو، پیونگ‌یانگ و تهران اخیراً تقویت شده است. ظاهراً ایران در نظر دارد رزمایش دریایی اخیر در شمال اقیانوس هند را که چین، روسیه و ایران آن را «گمرکبند امنیتی دریایی» نامیده‌اند، به‌عنوان یک هم‌سویی در حال رشد به تصویر بکشد. در همین حال، کره شمالی یک هیئت اقتصادی بلندپایه به ایران اعزام کرده و تلاش‌هایی برای تقویت روابط با کشورهای مخالف آمریکا انجام داده است. کره شمالی و ایران نیز به روسیه کمک می‌کنند. اگرچه ممکن است پایگاه‌های ایدئولوژیک و استراتژیک برای روابط نزدیک بین پکن، مسکو، پیونگ‌یانگ و تهران وجود داشته باشد اما شواهد اندکی وجود دارد که ثابت کند این کشورها قادر خواهند بود یک نظم ایجاد کرده و یا بتوانند یک نظم جهانی جایگزین منسجم داشته و یا حتی حداقل در حال حاضر قادر به انجام عملیات نظامی هماهنگ پیچیده باشند. چالش اصلی برای اتحاد بالقوه چین، روسیه، کره شمالی و ایران در نقش هندنهفته است. در حالی که روسیه، کره شمالی و ایران، هند را به‌عنوان یک قدرت برای مقابله با نفوذ ایالات متحده در سراسر اوراسیا می‌بینند، چین، بازیگر مسلط در میان این چهار کشور، دهلی را به‌عنوان یک رقیب در جنوب آسیا و اقیانوس هند و اقیانوس آرام به حساب می‌آورد. علاوه بر این، هند به‌طور بالقوه می‌تواند در صورت تهاجم چین به تایوان، یک جبهه دوم برای پکن ایجاد کند. هر چند شواهد برای این احتمال محدود است. مسکو، تهران و دهلی کاملاً آگاه هستند که بدون دخالت هند، امکان ائتلاف اوراسیا بر ضد آمریکایی اندک است. اما چین و روسیه ممکن است به کاهش انرژی کره شمالی و ایران کمک کنند و این روابط به‌عنوان «اتحاد» یا «محور» و ایجاد واکنش گسترده‌اش علیه ایالات متحده اهمیت می‌یابند. این اتحاد می‌تواند به فشار بر منابع آمریکا و آسیب به روابطش با کشورهای کلیدی مانند هند، ترکیه و عربستان سعودی منجر شود. واشنگتن و روشنفران سیاست خارجی‌اش برای جلوگیری از ایجاد انسجام بیشتر میان چین، روسیه، کره شمالی و ایران، به سمت رویکرد «تفرقه‌بینندار و حکومت کن» حرکت کرده‌اند. امروزه، ایالات متحده، متحدانی نظیر بریتانیا، ژاپن، استرالیا و چندین کشور اروپایی دارد که سنگری در برابر محور روسیه و چین، تشکیل می‌دهند. با این حال، این داینامیک اتحاد با چالش عمیق کشورهای محوری مانند هند، عربستان سعودی، اندونزی و ترکیه مواجه است، که به‌طور فزاینده‌ای در برابر مفهوم ادغام اروپا و هند و اقیانوس آرام در یک مرحله ژئوپلیتیک واحد مقاومت می‌کنند. این مقاومت ناشی از منافع استراتژیک آنها در حفظ انعطاف و خودمختاری است. مهمتر از آن، همسویی آنها با واشنگتن صرفاً بر مناطق خاصی متمرکز شده است، نه همه مناطق و نه کل جهان. در مورد هند، دهلی به‌طور فزاینده‌ای نگران چین و اهدافش در اقیانوس هند است. هند آماده همسویی با واشنگتن است و واشنگتن موانع قدرت در هند و اقیانوس آرام را در اولویت قرار می‌دهد و این می‌تواند نقطه همگرایی بین هند، ایالات متحده، ژاپن و استرالیا بر اساس منافع ملی این کشورها باشد. با این حال، دهلی روشن کرده است که این مشارکت‌ها نباید به یک اتحاد کامل تبدیل شود و تمرکز خود را فراتر از اقیانوس هند و اقیانوس آرام گسترش دهد. این موضع زمانی به چشم آمد که هند از قطعنامه‌های سازمان ملل در محکومیت تهاجم روسیه به اوکراین به دلیل اهمیت بر خودداری از تجهیزات نظامی و انرژی روسیه خودداری کرد. در خاورمیانه، با بدتر شدن وضعیت امنیتی، عربستان سعودی مشتاق همکاری با ایالات متحده و اسرائیل برای مهار ایران است. با این حال، عربستان سعودی به‌عنوان یک صادرکننده بزرگ انرژی به چین و روسیه در تنظیم سیاست انرژی جهانی، نیاز دارد و بنابراین انگیزه کمتری برای تبدیل پیمان دفاعی آینده خود با ایالات متحده به یک اتحاد همه‌جانبه پیدا می‌کند. این کشور هرگونه اتحادی را که مستلزم کاهش قیمت انرژی و آسیب رساندن به اقتصاد روسیه یا محدود کردن عرضه انرژی به چین در صورت تهاجم چین به تایوان باشد، رد می‌کند. از آنجایی که مرکز قدرت اقتصادی ژئوپلیتیکی به سمت اقیانوس هند و اقیانوس آرام در حال چرخش است، آمریکا ممکن است منابع یا شرکای لازم را نداشته باشد تا بار استراتژی مهار جهانی ائتلاف اوراسیا شامل چین، روسیه، کره شمالی و ایران را به دوش بکشد. در واکنش به این ساختار قدرت در حال ظهور در اوراسیا، ایالات متحده مجبور است موقعیت استراتژیک خود را که قبلاً متشنج شده بود، دوباره تنظیم کند.



حقوق‌دان بین‌المللی ایران

کارنامه دیپلماتیک جلال عبده از عضویت در شورای امنیت تا حاکم‌گینه نو



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

جلال و علی دو فرزندان شیخ محمد عبده‌بروردی بودند که هر دو هم‌بیش از پدر مشهور شدند؛ یکی در عرصه ورزش با بولینگ عبده و پایه‌گذاری تیم فوتبال پرسپولیس و دیگری در روابط بین‌الملل و البته پرونده محاکمه سرپاس مختاری و پزشک احمدی. بی‌شک شهرت برادر کوچکتر، علی که وارد عرصه ورزش شد و پس از امتحان شانسن خود در عرصه مشست‌زنی در آمریکا با تاسیس بولینگ و باشگاه پرسپولیس به شهرت عمومی رسید بیشتر است اما پدر و برادرش در عرصه‌های مهمتری نقش ایفا کردند و خوش درخشیدند. جلال عبده که در ابتدا با محاکمه پزشک احمدی و سرپاس

انتخاب شد از سوی منوچهر اقبال بهترین گزینه برای به سرانجام رساندن خواسته محمدرضا شاه بود که انتظار داشت ایران بتواند به‌خاطر عملیات روانی شوروی علیه ایران در پی عضویت ایران در پیمان سنتو شکایتی را علیه مسکو در سازمان ملل ترتیب دهد. اما دکتر عبده تحت تأثیر تحصیلات و ذهن حقوقی و تجربیات کار در سازمان ملل به‌گونه‌ای صادقانه شروع به استدلال حقوقی و برشمردن فصل‌های ششم و هفتم منشور ملل متحد، و موادی که حکایت از نقض صلح و یا تهدید به استفاده از زور در روابط بین‌المللی می‌شود و محدوده صلاحیت شورای امنیت و حق وتوی شوروی بود، نتیجه گرفت که طرح چنین موضوعی عملاً در شورا نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. همین گستاخی عبده باعث شد تا این آخرین شرفیابی او به‌عنوان وزیر امور خارجه نزد شاه باشد و او مجبور شد پس از یک سفر خارجی با تمارض به بیماری از مقام وزارت امور خارجه استعفا داده و به سر کارهای تخصصی خود بازگردد. اما جایگاه برجسته او در سازمان ملل همواره به‌عنوان افتخاری برای ایران باقی ماند.

جلال عبده از تولد تا ورود به عرصه دیپلماسی

جلال عبده در سال ۱۲۸۸ در بروجرد به دنیا آمد. پدرش شیخ محمدتقی عبده‌بروردی، از قضات و حقوقدانان مشهور تاریخ حقوق ایران بود که در سال ۱۲۵۷ در بروجرد و در خانواده‌ای روحانی و سرشناس به دنیا آمد. محمدتقی پس از آنکه برای تحصیل به تهران آمد در بیست‌ویک‌سالگی به درجه اجتهاد رسید و زبان آلمانی و فرانسه را نیز به‌خوبی یاد گرفت. در جریان انقلاب مشروطه در دوران طلابی، هنگام فتح تهران اسلحه به دست گرفت و در جنگ‌های خیابانی تهران حضور داشت. مدتی بعد همراه عده‌ای دیگر از روحانیون جوان به عدلیه دعوت شد و به کار قضایی اشتغال یافت. بعد از اصلاحات داور در عدلیه با بالاترین پایه وارد نظام جدید دادگستری شد. محمد عبده دو سال بعد برای ریاست دادگاه انتظامی قضات انتخاب شد و نزدیک به سی سال در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۱۰ دکترای حقوق گرفت. وی پس از بازشناسی حکمیت‌های شخصی و معاملات زمین انجام می‌داد و تدریجاً از ثروتمندان شهر تهران شد. شیخ محمد عبده‌بروردی در سحرگاه پانزدهم تیرماه ۱۳۴۶ درگذشت و آیت‌الله مرعشی نجفی بر پیکر وی نماز خواند.

جلال با بر خورداری از سابقه پدرش به تحصیل در علم حقوق روی آورد. جلال پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه و آموختن زبان فرانسه، به مدرسه‌ی حقوق و علوم سیاسی وارد شد. در سال ۱۳۰۹ درجه‌ی لیسانس گرفت و به رتبه‌ی ۳ قضایی به استخدام دادگستری درآمد و پس از چندی جزء دسته سوم محصلین اعزامی به اروپا رفت و در پاریس از دانشگاه سوربون درجه‌ی دکترای حقوق گرفت. جلال عبده نیز پس از پایان تحصیلات در رشته حقوق در دانشگاه سوربون و بازگشت به تهران از طرف وزیر دادگستری وقت، دکتر متین‌دفتری در سال ۱۳۱۶ به ریاست قسمت مطبوعات و کتابخانه و سجل جزایی و سپس به عضویت و دادستانی محکمه انتظامی وکلا منصوب شد. در اوایل سال ۱۳۱۹ که دکتر متین‌دفتری به نخست‌وزیری منصوب شد، به سفارش متین‌دفتری، دکتر عبده را که رئیس اداره کل تصفیه و اداره فنی وزارت دادگستری بود به دادیاری و سپس به دادستانی دیوان کیفری منصوب کردند. در این احوال با اشغال ایران توسط نیروهای متفقین با تغییرات اوضاع سیاسی ایران فضای نسبتاً باز سیاسی در کشور ایجاد شده بود که از مظاهر آن یکی فشار افکار عمومی برای رسیدگی بر جنایات مقامات دولتی ایران بود. شهرت جلال عبده نیز پس از شهریور ۱۳۲۰ زمانی آغاز شد که در مقام دادستان دیوان کیفری گروهی از مسئولان امنیتی دوران رضاشاه، همچون پزشک احمدی و سرتیپ رکن‌الدین مختار معروف به سرپاس مختاری را به جرم قتل آیت‌الله مدرس، محمد فرخی‌یزدی و نصرت‌الدوله فیروزمیرزا و سردار اسعد و تیمورتاش به محاکمه کشید. دادستان در اجرای شکایات شاکیان اقدام به بازداشت تعدادی از رؤسای شهربانی از جمله مختاری، رئیس کل شهربانی، عرب‌شاهی، رئیس آگاهی، جوانشیر، رئیس اداره سیاسی، مقدادی، رئیس آگاهی، سرهنگ راسخ و سرهنگ نیرومند، رؤسای زندان و چند تن دیگر کرد. طبق تحقیقاتی که جلال عبده و دستیارانش انجام دادند آشکار شد که قتل‌هایی که صورت گرفته قسمتی بنا به دستور سرلشگر آیرم و بخش مهم آن به دستور سرپاس مختاری صورت گرفته است و در مورد تعدادی از قتل‌هایی که در زندان وقوع یافته پزشک احمدی معروف عامل و مباشر اصلی جنایات بوده است. محاکمه مختاری و عوامل او در شهربانی از پرسروصداترین محاکمات بعد از شهریور ۱۳۲۰ بود که دکتر عبده طی ادعانامه مفصلی ۴۰ مورد اتهام بازداشت غیرقانونی و مباشرت در قتل و اعمال خلاف قانون دیگر به مختاری